

عفو بين الملل

ايران:

يك نظام قانونی كه آزادی بیان و اجتماع
را محافظت نمی كند.¹

عفو بين الملل – دبیرخانه بين المللی
دسامبر ۲۰۰۱
فهرست: MDE 13/045/01

¹ IRAN: A LEGAN SYSTEM THAT FAILS TO PROTECT FREEDOM OF EXPRESSION AND ASSOCIATION (AI INDEX MDE 13/045/01)

فهرست مندرجات

۳	مقدمه
۴	زمینه
	قانون گذاری در ایران
۵	• قوانین محدود کننده آزادی بیان و اجتماع
۶	• تشکیل یا پیوستن به یک اجتماع و "اقدام علیه امنیت ملی"
۷	• "توهین" به مذهب
۹	• محدودیتهای مشخص در آزادی بیان روحانیان
۹	• انتقاد، اهانت، هتک حرمت و نشر اکاذیب
۱۰	نقش دادگستری
۱۱	• استقلال دادگستری
۱۱	• استخدام، انضباط و عزل قاضیان
۱۲	• بی طرفی؛ تجزیه قوا
۱۳	• الزام قانون اساسی برای صدور حکم
۱۳	• مسئولیت شخصی قاضیان
۱۳	• دادگاه ویژه روحانیت
۱۴	• طرح اصلاح دادگاههای عمومی و انقلاب و بازتاسیس دادستانی
۱۴	نقش حقوقدانان و کانون وکلا
۱۴	• محدودیت در مورد افرادی که می توانند در کانون وکلا کار آموزی ببینند
۱۵	• محدودیتهای وارده بر کانون وکلا
۱۶	• انضباط حقوقدانان
۱۶	• اقدامات دیگری که استقلال و امنیت حقوقدانان و کانون وکلا را به خطر انداخته است
۱۸	• واکنش ها به تصویب ماده ۱۸۷
۱۸	نتیجه گیری ها و پیشنهادهای
۱۸	به دولت ایران و مقامات دادگستری و تمام کسانی که در اجرای عدالت دست دارند
۱۸	• در مورد قوانینی که آزادی بیان و اجتماع را محدود کرده است
۱۹	• در مورد دادگستری
۱۹	• درباره حقوقدانان و کانون وکلا
۱۹	• در مورد اجرای عدالت

ایران یک نظام قانونی که آزادی بیان و اجتماع را محافظت نمی کند

مقدمه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حفاظت‌های ایمنی متعدد مهمی برای حقوق و آزادی‌هایی برقرار کرده که در قراردادهای بین‌المللی تضمین شده و ایران یک کشور عضو آنها است (کادر زیر را ببینید). از جمله آنها می‌توان از مواد مربوط به آزادی بیان و محاکمات عادلانه نام برد. این حقوق و آزادیها به منظور آن تعبیه شده تا هر فردی بتواند از حقوق برابر تحت قانون برخوردار شود و حیثیت انسانی او از این طریق تامین گردد.

قراردادهای حقوق بشر که ایران تصویب کرده است:

قرارداد بین‌المللی حذف همه اشکال تبعیض نژادی (International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination)	۱۹۶۸
میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (International Covenant on Civil and Political Rights)	۱۹۷۵
میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights)	۱۹۷۵
قرارداد مربوط به وضع پناهندگان (Convention relating to the Status of Refugees)	۱۹۷۶
پروتوکل مربوط به وضع پناهندگان (Protocol relating to the Status of Refugees)	۱۹۷۶
قرارداد حقوق کودک (Convention on the Rights of the Child)	۱۹۹۴

در داخل ایران نیز بحثهای پرشوری درباره حقوق بشر در مجلس شورای اسلامی ایران، بین اعضای قوه قضاییه، سازمانهای غیر دولتی و حرفه‌ای مانند کانون وکلا، و بسیاری از روزنامه‌ها در جریان است.

در عین حال، در مورد تحقق حفاظت‌های ایمنی بین‌المللی حقوق بشر، از جمله در رابطه با آزادی بیان و اجتماع و اجرای عدالت، مسائلی در ایران وجود دارد که به خصوص نگرانی عفو بین‌الملل را برانگیخته است. این سازمان بارها به نمایندگی از سوی زندانیان عقیدتی و کسانی که حقوق بشری آنان ظاهراً به خطر افتاده است با مقامات ایرانی مکاتبه کرده، و خواستار آن شده است که در موادی از قانون بازنگری شود و اصلاحاتی به مرحله اجرا در آید.

در اوت ۲۰۰۱ عفو بین‌الملل یادداشت مفصلی درباره آزادی بیان و اجرای عدالت، که اساس این گزارش را تشکیل می‌دهد، خطاب به دولت و مقامات قضایی ایران نوشت. در آن یادداشت، قوانین مربوط به آزادی بیان، استقلال قوه قضاییه، و محدودیت‌های کانون وکلا و حق دفاع، همراه با سایر مسائلی مربوط به اجرای عدالت، مورد بررسی قرار گرفت. هدف یادداشت این بود که به بحثهای داخل

ایران کمک کند، و در آن راههایی برای انطباق قوانین و روشهای عمل با تعهدات بین المللی ایران در مورد حقوق بشر ارائه داده شد. عفو بین الملل از دولت ایران و مقامات قضایی خواست تا درباره آن یادداشت نظر بدهند. دولت و مقامات قضایی رسید این یادداشت را تایید کردند، ولی تا پایان دسامبر ۲۰۰۱، هیچ نظر یا توضیحی درباره محتوای یادداشت به سازمان نرسیده است.

نگرانیهای دیگر عفو بین الملل درباره ایران شامل این موارد است: بازداشت‌های طولانی و غالباً همراه با قطع ارتباط، شکنجه و بدرفتاری با زندانیان، و از جمله کاربرد مجازاتهای خشن، غیرانسانی و تحقیرکننده مانند شلاق و قطع اعضای بدن، مصونیت مقامات حکومتی در برابر تخلفات حقوق بشری، کاربرد وسیع مجازات اعدام و اجرای آن در ملا عام، و قوانین تبعیض آمیز به خصوص در مورد حقوق زنان.

زمینه

آزادی بیان و اجتماع در ایران از طریق محدودیتهای قانونی و به دلیل نقایص روند اجرای عدالت محدود شده است. نتیجه آن، محاکمات ناعادلانه و زندانی شدن زندانیان عقیدتی بوده است.

قانون اساسی ایران آزادی عقیده را تضمین کرده است. ولی محدودیت آزادی بیان و اجتماع در قوانین ایران از حدود قانون اساسی ایران و همچنین قراردادهای بین المللی حقوق بشر، که ایران یک دولت امضاء کننده آنهاست، تجاوز می کند. مواد محدود کننده، متناقض و مبهم در قانون مجازات اسلامی، قانون دادگاه ویژه روحانیت- قوانینی که به تخلفهای روحانیان اختصاص دارد- و قوانین مربوط به دادگاههای عمومی و انقلاب، حق آزادی بیان را نقض میکنند. برای مثال، قانون مجازات اسلامی طیفی از فعالیتها مانند برخی از کارهای مطبوعاتی و گفت‌وگوهای عمومی را، که از جمله عناوین مجرمه شناخته نمی شوند، منع کرده است.

منابعی که در این گزارش مورد ارجاع قرار گرفته اند به حداقل استانداردهای بین المللی مربوط به اجرای عدالت و وظایف حقوقدانان، دادستانان و قوه قضاییه برمیگردند، از جمله:

اصول اولیه سازمان ملل برای استقلال قوه قضاییه

(United Nations' Basic Principles on the Independence of the Judiciary)

اصول اولیه سازمان ملل در مورد نقش حقوقدانان

(United Nations' Basic Principles on the Role of Lawyers)

خطوط راهنمای سازمان ملل در مورد نقش دادستانان

(United Nations' Guidelines on the Role of Prosecutors)

محدودیتهای تعبیه شده در قوانین ملی با نارساییهای ساختاری در نظام قضایی وخیمتر شده است. نظام قضایی از استقلال که قانون اساسی برای آن تامین کرده بی بهره است. غالباً نقش بازجو، دادستان و قاضی در هم ادغام می شود، و این امر بی طرفی آنان را زیر سوال می برد. قاضیان دادگاههای پایین تر زیر فشار قرار می گیرند تا اتهاماتی را که یک مقام قضایی بالاتر، که در عین حال مسئول مستقیم استخدام و ادامه شغل آنان به عنوان یک قاضی است، به آنان ارجاع می دهد تحقیق و تعقیب کنند. قاضیان باید حکم صادر کنند و شخصاً مسئولیت آن را به عهده بگیرند، حتی در مواردی که، به نص ماده ۱۶۷ قانون اساسی، "سکوت یا نقص" در قانون وجود داشته باشد.

کانون وکلا در تهران و سایر مراکز منطقه ای، پس از سالها تعلیق، در سال ۱۹۹۹ به وسیله مقامات قضایی بازتاسیس شد. محدودیتهای عمل این کانون، استقلال آن را تضعیف کرده و در نتیجه، حفاظت ایمنی برای دفاع در برابر محاکمه ناعادلانه را از بین برده است. نقش کانون وکلا در صدور جواز

برای فارغ التحصیلان جدید رشته حقوق، و آزادی عمل آنها برای انتخاب آزادانه نمایندگانشان، برای مثال، از جمله حفاظت‌های ایمنی اساسی استقلال کانون بشمار می‌روند. ولی قوانین جدید این نقشها را از بین برده است. قوه قضاییه کنترل صلاحیت کارآموزان کانون وکلا، ورود آنان به حرفه وکالت، و ادامه کار آنان به عنوان وکیل، را به دست گرفته است. این عمل، استقلال کانون وکلا را تضعیف کرده، و حیثیت حرفه‌ای، امنیت و استقلال لازم برای کار وکالت را به خطر انداخته است، و می‌تواند به محرومیت بر اساس پایه قومی، مذهب، یا عقیده منجر شود.

این نارساییها در مجموع مانع از اجرای عدالت شده است. در سالهای اخیر افراد بسیار زیادی قربانی بازداشت‌های خودسرانه و محاکمات ناعادلانه شده‌اند و یا بدون هیچ دلیلی، به جز ابراز عقاید وجدانی خود، به زندان افتاده‌اند. این نحوه عمل نه فقط با قانون اساسی خود ایران در تضاد است، بلکه استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر را نیز نقض می‌کند.

یک کنفرانس علمی تحت عنوان "ایران پس از انتخابات" در اوایل ۲۰۰۰ در برلن که در آن تعدادی از روشنفکران ایرانی شرکت داشتند. به وسیله گروه‌های سیاسی مستقر در خارج ایران به هم خورد. سازمان رادیو و تلویزیون حکومتی ایران از این کنفرانس فیلمی تهیه کرد و آن را در ایران به نمایش در آورد. نمایش فیلم باعث سرو صداهایی در ایران شد. شرکت کنندگان در کنفرانس پس از بازگشت به ایران برای بازجویی احضار شدند و تنی از آنان به زندانهای غالباً طولانی افتادند. در اکتبر و نوامبر ۲۰۰۰، شرکت کنندگان و مترجمان مدارک کنفرانس با اتهامات سنگین و مبهمی در رابطه با "اقدام علیه امنیت کشور"، "تبلیغات علیه نظام" و "توهین به اسلام" تحت محاکمه قرار گرفتند. دست کم نه نفر مجرم شناخته شده و به حبس محکوم شدند. در حالی که تنها مدرک علیه آنان نفس شرکت در کنفرانس و ایراد خطابه بوده است. متن این خطابه‌ها، در واقع، در اواخر سال ۲۰۰۰ در کتابی که به تصویب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رسیده چاپ و منتشر شده است (صفحه ۶ را ببینید). موقع تهیه این گزارش، بسیاری از این احکام در دادگاه تجدید نظر تهران تحت بررسی بوده است.

این گزارش به منظور اطلاع رسانی و حمایت از استدلالات همه کسانی تهیه شده است که در تلاش برای اصلاح نظام قضایی ایران و انطباق آن با تعهدات حقوق بشری بین‌المللی این کشور شرکت دارند. توصیه‌های عفو بین‌الملل خطاب به همه ایرانیانی است که در اجرای عدالت در ایران نقش دارند.

قانون گذاری در ایران

• قوانین محدود کننده آزادی بیان و اجتماع

قانون اساسی جمهوری اسلامی و قراردادهای بین‌المللی که ایران یک کشور عضو آنها است، حفاظت‌های ایمنی حقوقی برای آزادی بیان و اجتماع را به رسمیت می‌شناسند. اساس آزادی بیان فردی در اصل ۲۳ قانون اساسی دیده می‌شود. اصل ۲۳ می‌گوید: "تفتیش عقاید ممنوع است، و هیچکس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد." اصل ۲۴ نیز آزادی بیان در مطبوعات و نشریات را تامین کرده است.

ولی مواد محدود کننده، متناقض و مبهم در قانون مجازات اسلامی، قانون دادگاه ویژه روحانیت - قانونی که به تلخفهای روحانیان اختصاص دارد - و قوانین مربوط به دادگاههای عمومی و انقلاب، اجرای کامل حق آزادی عقیده و بیان را تضعیف میکنند. این محدودیتها در قوانین ملی، حدود مجاز تعیین شده در قانون اساسی و اصل ۱۹ (۳) قرار داد بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را نقض میکند (کادر زیر را ببینید).

اصل ۱۹ قرارداد بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، که ایران یک کشور امضاء کننده آن است، حداقل استانداردهای بین المللی برای آزادی بیان و اجتماع را به قرار زیر تعیین کرده است:

۱. هر کسی حق خواهد داشت که بدون دخالت دیگری عقیده خود را داشته باشد،
۲. هر کسی حق آزادی بیان خواهد داشت، این حق، آزادی جستجو، دریافت و ارایه اطلاعات و اندیشه های از هر نوع را بدون هیچ مرز، و از طریق شفاهی، کتبی، چاپی، در شکل هنری، یا از طریق هر واسطه دیگر مورد انتخاب فرد، را در بر میگیرد،
۳. اعمال حقوق مندرج در فرار ۲ این اصل، مسئولیتها و وظایف خاصی را در بر میگیرد. بنا بر این، حق یاد شده ممکن است مشمول محدودیتهایی قرار بگیرد. ولی این محدودیتها باید به صورت قانونی و لازم برای موارد زیر باشد: (الف) در احترام به حقوق و حیثیت دیگران، (ب) برای حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی، یا اخلاق و بهداشت عمومی.

• تشکیل یا پیوستن به یک اجتماع و "اقدام علیه امنیت ملی"

در قانون مجازات اسلامی مواد مبهم درباره اجتماعات و "امنیت ملی" وجود دارد که طیفی از فعالیتها مانند کارهای مربوط به مطبوعات و گفتمان عمومی را که از جمله عناوین مجرمه شناخته نمی شوند، منع کرده است. مواد ۴۹۸ و ۴۹۹ این قانون می گوید که هر کس به تشکیل گروه یا جمعیتی در داخل یا خارج کشور دست زند که "هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد"، یا به چنین گروهی بپیوندد، به دو تا ده سال زندان محکوم خواهد شد، در حالی که در این قانون، "بر هم زدن" یا "امنیت کشور" تعریف نشده است.

محدودیت های آزادی بیان و اجتماع می بایست در قوانین ملی به روشنی بیان شده باشد. این محدودیتها باید با استانداردهای بین المللی حقوق بشر هم خوانی داشته باشد، و این نکته را به صراحت بیان کند که محدودیتها شامل کسانی که بدون توسل یا تبلیغ به خشونت به اعمال حقوق خود در آزادی عقیده، بیان یا اجتماع می پردازند نخواهد شد.

ماده های ۵۰۰ و ۶۱۰ این قانون به امنیت ملی ارتباط می یابد، و به همان صورت مبهم بیان شده است. ماده ۵۰۰ می گوید که: "هر کسی علیه نظام... به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد." بر اساس ماده ۶۱۰، هرگاه دو نفر یا بیشتر بر تخلفاتی بدون توسل به خشونت علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور تبانی کنند، یا وسایل ارتکاب آن را فراهم آورند، به دو تا پنج سال زندان محکوم خواهند شد. مجدداً، در این قانون "امنیت" و "تبلیغات" تعریف نشده است. در عمل، از این مواد برای بازداشت، محاکمه و محکومیت روزنامه نگاران، روشنفکران و تحلیلگران اجتماعی که کاری جز اظهار عقاید وجدانی خود در اظهار نامه های عمومی یا مطبوعات نکرده بودند استفاده شده است.

برای نمونه، ۲۹ نفر از کسانی که در کنفرانسی به نام "ایران پس از انتخابات" در موسسه هاینریش بل در برلن در آوریل ۲۰۰۰ شرکت کرده یا به آن خدمات داده بودند در نوامبر و دسامبر ۲۰۰۰ در دادگاه انقلاب اسلامی تحت محاکمه قرار گرفتند. اتهامات علیه آنان، شامل نامعینهای مانند "اقدام علیه امنیت کشور"، "همکاری با گروههای ضد انقلاب"، "تشکیل یا عضویت در گروه یا جمعیتی با هدف اخلال در امنیت کشور"، "تبلیغات علیه نظام" و "اهانت به اسلام" بود.

این اتهامات در حول ماده های ۴۹۸ و ۵۰۰ این قانون مجازات اسلامی شکل گرفته بود. دست کم نه نفر از متهمان محکومیت یافتند و در دادگاه بدوی به حبس محکوم شدند. در عین حال، هیچ مدرکی ارایه نشد که نشان دهد متهمان در فعالیت خشونت باری در رابطه با شرکتشان در این کنفرانس

دخیل بوده اند. تنها مدرک دادگاه، حضور متهمان در یک کنفرانس علمی و ارایه سخنانشان بود. در حالی که متن همین سخنان بعداً در کتابی تحت عنوان "کنفرانس برلین: خدمات یا خیانتها" در اواخر سال ۲۰۰۰ منتشر شد. کتاب با اجازه کامل وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انتشار یافت، و از این رو نشر آن قانونی بوده است.

مهرانگیز کار، حقوقدان حقوق بشری ۵۸ ساله، و اکبر گنجی روزنامه نگار ۴۲ ساله، دو نفر از شرکت کنندگان کنفرانس برلن بودند. این هر دو نفر به خاطر شرکتشان در این کنفرانس بازداشت شدند و محکومیت یافتند. (توضیحات مربوط به هر یک را در کادرهای ضمیمه ببینید).



مهرانگیز کار پس از بازگشت از کنفرانس دستگیر و بازداشت شد. در دسامبر ۲۰۰۰، او به خاطر اظهاراتی که در کنفرانس ابراز داشته بود محاکمه و به چهار سال زندان محکوم شد. او با قید ضمانت پیش از تشکیل دادگاه تجدید نظر در نوامبر ۲۰۰۱ آزاد شد. او در کنفرانس اظهاراتی را مطرح کرد که حاوی تحریک بر خشونت نبود. بنا بر ادعای دادستان، او گفته بود که "نظام اسلامی در طول ۲۱ سال حقوق بشر و حقوق مردم ایران را نقض کرده است... و این که ضرورت دارد که کارنامه حکومت نه فقط در ده سال گذشته و بلکه در ۲۱ سال گذشته مورد بررسی قرار گیرد. این است آن چه که مردم ایران

از جریان اصلاح طلبی انتظار دارند. تا نقض حقوق بشری آنان در ۲۱ سال گذشته جبران شود." او همچنین گفته بود که "ساختار قضایی ایران به صورتهای مختلف درست علیه حقوق بشر زنان عمل می کند. در مسایل خانوادگی، زنان نه به عنوان همسر و نه به عنوان مادر حقی ندارند. بعضی اوقات، موقعی که می خواهم درباره حقوق زنان صحبت کنم، باور کنید که من عمیقاً احساس بدی پیدا میکنم، چرا که مجبورم فهرست بلند بالایی از حقوق پایمال شده آنها بدهم که درباره آنها راه حلی ندارم. راه حلهایی هم که گهگاه در روزنامه های کشور چاپ می شود راه حلهای پراکنده ای است. تا موقعی که محافظه کاران تمام اهرمهای قدرت را در دست داشتند، تنها یک نظر وجود داشت، و می گفتند "همین است". و این چیزی است که اسلام گفته است. اسلام سنگسار دارد، مجازات سنگین دارد، اسلام به زنان اجازه نمی دهد که مقامات بالا را اشغال کنند، و از این قبیل قوانین. و خیلی از کسانی که به خاطر نقششان در تولید فرهنگی معتقدند که قوانین باید مورد نقد قرار بگیرد، برای این که مبادا جان و حیثیت خود یا خانواده شان در معرض خطر قرار بگیرد، از روبرو شدن با این مسائل فرار می کنند. اگر در یک کشور، نیمی از جمعیت از سوی قوانین مصوبه تحت خشونت مالی، قضایی، عاطفی و شخصی قرار بگیرد و باز هم مسئله ای به نام زنان نداشته باشیم، چه مسئله ای می تواند وجود داشته باشد؟

عفو بین الملل معتقد است که کسانی که در دادگاه بدوی محکومیت یافته و به زندان افتادند – هنوز در بازداشت به سر می برند – زندانی وجدان هستند که به دلیل اظهار مسالمت آمیز عقاید وجدانی خود مجازات شده اند. به هنگام نوشتن این گزارش، چندین مورد از احکام صادره تحت تجدید نظر قرار داشت. عفو بین الملل بارها خواسته است که همه این اتهامات پس گرفته شود و کسانی که هنوز در بازداشت به سر می برند بدون قید و شرط و فوری آزاد شوند.

● "توهین" به مذهب

برای قرنهای متمادی، در ایران سنت بحث، گفتگو و تفسیر مفاهیم مذهبی وجود داشته است. در عین حال، قوانین مربوط به مذهب مکرراً برای محدود کردن آزادی بیان به کار گرفته شده است. این محدودیتها به خصوص در ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی و مواد ۶ و ۲۶ قانون مطبوعات به چشم می خورد.

اکبر گنجی، همانند سایر شرکت کنندگان، بر اساس ماده ۴۹۸ قانون مجازات اسلامی به "مشارکت در اقدام علیه امنیت کشور" همراه با عناصری از سازمانهای سیاسی "ضد انقلاب و برانداز" خارج کشور، که برخی از آنان در



کنفرانس شرکت کرده بودند، متهم شده بود. او و سایر شرکت کنندگان تحت ماده ۵۰۰ همین قانون به انجام "تبلیغ علیه نظام اسلامی" متهم شده بودند. برای "ثبوت" اتهامات به اظهارات آنان در کنفرانس استناد شد.

بنا به گزارش، اکبر گنجی مثلاً گفته بود که "تاریخ بشر نشان داده است که دموکراسی از طریق روشهای انقلابی نمیتواند بوجود بیاید، و انقلابیون از ایجاد یک حکومت دموکراتیک عاجزند." بعلاوه، از او نقل شده بود که "ما حق نداریم به مردم بگوییم که چه بپوشند و چه نپوشند. به نظر من پروژه دموکراسی، روند دموکراسی در ایران، یک پروژه برگشت ناپذیر است. به طور قطع دموکراسی در ایران مستقر خواهد شد. ما به طور قطع، شاهد ایرانی آزاد و دموکراتیک خواهیم بود."

اکبر گنجی در آوریل ۲۰۰۰ به خاطر اینها و اظهارات دیگری که هیچ یک حاوی تحریک به خشونت نبوده است بازداشت شد. او برای مدت درازی پیش از محاکمه در سلول انفرادی نگاه داشته شده بود. در دسامبر ۲۰۰۰، او به ده سال زندان محکوم شد. در طول مدت پیش از دادگاه تجدید نظر، او از زندان آزاد نشد. دادگاه تجدید نظر در مه ۲۰۰۱، زندان او را به شش ماه تقلیل داد. ولی او آزاد نشد، و در حالی که هنوز در اختیار دادگاه بود مجدداً دستگیر شد، و بنا به اظهار همسرش معصومه شفیعی، مدت ۴۵ روز در سلول انفرادی به سر برد. دادگستری تهران فوراً علیه حکم دادگاه تجدید نظر اقامه دعوی کرد.

در ژوئیه ۲۰۰۱، اتهامات جدیدی بر اکبر گنجی که بیش از یک سال در زندان به سر برده بود وارد شد. وکیل اکبر گنجی در پاسخ یک خبرنگار که پرسیده بود چگونه وقتی او در زندان به سر میبرده ممکن است اتهامات جدیدی بر او وارد شود، به قرار اطلاع گفته بود که لابد دادگاه یکی از کتابهای او را خوانده است. یک دادگاه تجدید نظر دیگر در همان ماه، حکم دادگاه تجدید نظر پیشین را به شش سال افزایش داد، و در ۱۶ اوت ۲۰۰۱، وکیل اکبر گنجی گفت که موکل او ۸۱ روز در سلول انفرادی بوده است و همه می دانند که این مسئله چه اثرات روانی بر فرد بازداشتی می گذارد.

در جریان دادگاه در نوامبر ۲۰۰۰، وکیل اکبر گنجی گفت که با موکل او در زندان بدرفتاری شده است، و شکایتی علیه رئیس دادگستری تهران تقدیم دادگاه کرد. عفو بین الملل از هیچ تحقیق مستقل قضایی درباره این شکایتها آگاه نیست. اکبر گنجی یک زندانی وجدان است و باید بدون قید و شرط و فوری آزاد شود.

بنا بر ماده ۵۱۳، جرایمی که به "توهین" به مذهب منجر شود مجازات از یک تا پنج سال زندان یا مرگ به دنبال خواهد داشت. همینطور، مواد ۶ و ۲۶ قانون مطبوعات نوشته های شامل ارتداد و مطالب مخالف اسلام و علیه "اسلام واقعی" را منع کرده و گفته است که به این تخلفات در دادگاه جنایی رسیدگی خواهد شد. ماده ۶ قانون مطبوعات مشخصاً می گوید که کسانی که مجرم شناخته شوند "بر اساس ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی" مجازات خواهند شد. ماده اخیر به ایجاد "تشویش اذهان عمومی"، "اظهار اکاذیب"، یا نوشته های حاوی "اعمال خلاف حقیقت" حتی اگر به صورت نقل قول آورده شود می پردازد، و برای مرتکب آنها مجازات دو ماه تا دو سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق در نظر گرفته است.

نه قانون مجازات اسلامی و نه قانون مطبوعات، هیچ کدام اعمالی را که توهین به مذهب تلقی می شود تعریف نکرده اند، و هر دو قانون برای مجازات کسانی که عقاید خود را ابراز کرده اند به کار گرفته شده است. سردبیر ماشالله شمس الواعظین و یک روزنامه نگار دیگر عمادالدین باقی، به خاطر انتشار دو مقاله که در آنها موضوع مجازات اعدام در جامعه ایران مطرح شده بود بازداشت، محاکمه و مجرم شناخته شدند و هر یک به زندانهای بیش از دو سال محکوم شدند. از نظر دادگاه، مندرجات این دو مقاله از مقوله "اهانت به مذهب" شناخته شد.

• محدودیت های مشخص در آزادی بیان روحانیان

مواد مبهم قانون دادگاه ویژه روحانیت به توقیف روزنامه ها، و تعقیب و محکومیت و زندانی شدن روحانیان، به خاطر اظهار عقایدشان به صورت چاپی یا در مجامع عمومی، منجر شده است. بنا بر ماده ۱۸ این قانون، اگر یک روحانی مرتکب اعمالی شود که معمولاً باعث هتک حرمت روحانیون و انقلاب اسلامی شود این عمل او جرم تلفی خواهد شد. این "اعمال" نامشخص، به محاکمات ناعادلانه، و به طور مشخص در رابطه با تخلفات ادعایی مطبوعاتی، در دادگاه ویژه روحانیت و زندانی شدن زندانیان وجدان منجر شده است.

• انتقاد، اهانت، هتک حرمت و نشر اکاذیب

دست کم در ۱۰ قانون متعدد، که بسیاری از آنها مبهم نوشته شده و در هم تداخل می کنند، انتقاد، اهانت و هتک حرمت مقامات حکومتی به طور مشخص مطرح شده است، و حداقل یک قانون نیز به نشر اکاذیب پرداخته است. برای این اتهامات، حبس، و مجازات خشن، غیر انسانی و تحقیرکننده شلاق در نظر گرفته شده است.

بر اساس ماده ۲۷ قانون مطبوعات، مقامات اجازه یافته اند تا در مواردی که یک نشریه به توهین به "رهبر یا شورای رهبری جمهوری اسلامی ایران و مراجع تقلید" متهم شده باشد، بدون تشکیل دادگاه و تقدیم شکایت رسمی به دادگاه مطبوعات، امتیاز نشریه را لغو کنند.^۲ ماده ۳۰ همان قانون، نشر مقالاتی را که حاوی توهین شخصی، هتک حرمت، و انواع دیگر از خلفها باشد، منع کرده است، بدون اینکه روشن کند که این تخلفات شدید به چه معنی است.

در ۲۷ نوامبر ۱۹۹۹، وزیر کشور و معاون پیشین رئیس جمهور حجت الاسلام نوری، ناشر روزنامه توقیف شده خرداد، پس از یک محاکمه ناعادلانه در دادگاه ویژه روحانیت به پنج سال زندان محکوم شد. عبدالله نوری به ۲۰ اتهام مبتنی بر "اهانت" و "افترا"، که هیچکدام آنها در هیچ قانونی تعریف نشده است، متهم شده بود. او متهم بود که مقالات "ضد اسلامی" نشر داده، به مقامات دولتی توهین کرده، برقراری رابطه دوستانه با آمریکا را تبلیغ کرده، و به آیت الله حسینی منتظری که از سال ۱۹۹۷ در حصر قرار دارد امکان تبلیغ داده است. بیشتر جلسات محاکمه عبدالله نوری علنی بود و او وکیل نیز انتخاب کرده بود. در عین حال، دادگاه فاقد استانداردهای بین المللی یک محاکمه عادلانه بود: دادگاه ویژه روحانیت استقلال ندارد (در متن ببینید)، و قاضی نگذاشت دفاعیات متهم به پایان برسد و فقط از وکیل متهم خواست که متن دفاعیه خود را به دادگاه بدهد. هیئت منصفه ای که به وسیله قاضی انتخاب شده بود، پیش از دریافت متن دفاعیات، عبد الله نوری را در ۱۵ مورد از ۲۰ اتهام مجرم شناخت. عبدالله نوری با اظهار این که دادگاه و حکم آن را به رسمیت نمی شناسد از تقاضای تجدید نظر خودداری کرد. پس از محاکمه، او را به زندان اوین بردند، و روزنامه خرداد او نیز تا مدت نامعلومی بسته شده است. عبدالله نوری یک زندانی وجدان است و باید بدون قید و شرط و فوری آزاد شود.

قانون مجازات اسلامی به موارد انتقاد و توهین به صورت مبهمی در مواد ۵۱۴، ۶۰۸ و ۶۰۹ می پردازد. ماده ۵۱۴ تنها به "اهانت" علیه مرحوم آیت الله روح الله خمینی، اولین رهبر جمهوری

^۲ کمیته حقوق بشر اظهار کرده است که: "... وقتی یک کشور عضو، محدودیتهایی در اعمال آزادی بیان برقرار میکند، نباید خود حق را به مخاطره بیندازد." در ژانویه ۲۰۰۰، گزارشگر مخصوص سازمان ملل درباره ترویج و حفظ حق آزادی عقیده و بیان در گزارش خود به کمیسیون حقوق بشر از همه دولتها خواست تا "تضمین کنند که تخلفات مطبوعاتی، جز در مواردی که اظهارات نژادگرایانه یا تبعیض آمیز در برداشته باشد یا دعوت به خشونت کند، دیگر به مجازات زندان منجر نخواهد شد. در مورد تخلفاتی مانند "اتهام"، "توهین"، یا "هتک حرمت" رئیس کشور، و نشر و پخش اطلاعات "کذب" یا "تشویش کننده"، مجازات زندان هم شرم آور است و هم تناسبی با صدمه ای که به قربانی وارد آمده است ندارد. در تمام این موارد، حبس به عنوان مجازات اظهار عقیده صلح آمیز، یک نقض عمده حقوق بشر بشمار میرود" (E/Cn2/2000/63, para 205)

اسلامی ایران، و رهبر فعلی جمهوری اسلامی پرداخته است. ماده ۶۰۸ برای کسانی که "توهین به افراز از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک" را مرتکب شوند مجازات شلاق و جریمه نقدی مقرر کرده است. و ماده ۶۰۹ عملاً انتقاد از طیف وسیعی از مقامات در رابطه با وظایفشان را جرم شناخته و برای اهانت به آنان مجازات جریمه، ۷۴ ضربه شلاق و بین سه تا شش ماه زندان در نظر گرفته است. در اینجا قانون مجازات اسلامی هیچ مشخص نمی‌کند که مشخصات تعیین کننده انتقاد یا اهانت چیست.

ماده ۶۹۷ این قانون به موضوع افترا و هتک حرمت می‌پردازد. ماده می‌گوید که هر کس نسبتی به دیگری بدهد که "مطابق قانون آن امر جرم محسوب شود"، ولی نتواند آن را ثابت کند به یک ماه تا یک سال زندان یا ۷۴ ضربه شلاق، یا هر دو، محکوم خواهد شد. در صورتی که این نسبت ثابت شود، اگر قاضی تشخیص دهد که کار متهم "اشاعه فحشا" بوده است باز هم متهم مجازات خواهد شد.

ماده ۶۹۸ به نشر اکاذیب با قصد تشویش اذهان عمومی اختصاص دارد. مجازات این عمل شلاق یا زندان است. در اکتبر ۲۰۰۱، فاطمه گوارایی، یک روزنامه نگار و عضو دفتر پژوهش‌های فرهنگی که دکتر علی شریعتی، در یک دادگاه عمومی قزوین به اتهاماتی از جمله "نشر اکاذیب"، در رابطه با مصاحبه اش در هفته نامه ولایت قزوین، به ۵۰ ضربه شلاق محکوم شد. اتهام او این بود که از نیروی انتظامی به خاطر به هم زدن یک گردهم آبی غیررسمی خصوصی دکتر ابراهیم یزدی، رهبر نهضت آزادی ایران، انتقاد کرده است. نهضت آزادی ایران یک تشکیلات ملی مذهبی است که تا مارس ۲۰۰۱ از طرف حکومت تحمل میشد.

نقش دادگستری

قطعنامه ۳۱ صادره در نشست ۱۹۹۹ کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل می‌گوید که "برای حفظ حقوق بشر و تضمین این که در اجرای عدالت تبعیضی وجود نداشته باشد، یک دادگستری مستقل و بی طرف، و یک جامعه حقوقدانان حرفه ای مستقل، از شروط اساسی بشمار می‌روند."³

اصول سازمان ملل در مورد استقلال دادگستری:

در مقدمه می‌گوید که "[این اصول] برای این تنظیم شده اند تا به کشورهای عضو در وظیفه آنان مبنی بر ایجاد استقلال دادگستری و ترویج آن کمک کند؛
در ادامه آمده است که "باید از سوی دولتها به حساب آورده شود و مورد احترام قرار گیرد؛
در اصل ۱ می‌گوید که استقلال دادگستری باید از طرف دولت تضمین شود و در قانون اساسی و قوانین جاری آن مورد تأیید قرار بگیرد؛
به مقتضای اصل ۲ خواهان آن است که دادگستری به صورت بی طرفانه، بر اساس حقایق و برابر با قانون، فارغ از هرگونه محدودیت، اعمال نفوذ، تطمیع، فشار یا تهدید، مستقیم یا غیر مستقیم، از سوی هر مقام و زاویه ای یا به هر دلیلی، به دعوای رسیدگی کند؛
اصل ۵ به دنبال آن است که هر کس حق داشته باشد در دادگاهها یا محکمه های عادی و بر اساس موازین قانونی معین محاکمه شود؛
در اصل ۶ توضیح میدهد که چگونه از شرایط لازم و کافی استقلال دادگستری این است که روشهای قضایی آن به صورت عادلانه اعمال شود و حقوق طرفین دعوی رعایت گردد.

³ قطعنامه ۳۱/۱۹۹۳ شورای اقتصادی و اجتماعی کمیسیون حقوق بشر،^۴ استقلال و بی طرفی دادگستری، هیئت منصفه و داوران و استقلال حقوقدانان^۲ (E/CN.4/RES/1999/31)

دادگستری ایران از ساختار مستقلی که قانون اساسی آنرا تضمین کرده باشد بی بهره است، و هنوز جدایی قوا در مورد نقش بازجو، دادستان و قاضی در آن صورت نگرفته است. قاضیان دادگاههای بدوی، حتی در مواردی که قانون مشخص نکرده است، ملزم به صدور حکم هستند، و در عین حال باید مسئولیت احکام صادره را به عهده بگیرند. این نقایص به مجموعه بزرگی از محاکمات ناعادلانه منجر شده است.

• استقلال دادگستری

اصل ۱۵۶ قانون اساسی می گوید که 'قوه قضاییه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت... است'. ولی قوانین مربوط به ساختار و رویه های جاری دادگستری، استقلال واقعی آن را تضعیف کرده است.

علاوه بر این، یک مقام عالیترتبه قضایی گفته است که قاضیان در صدور حکم استقلال ندارند (کادر زیر را ببینید). گزارشگر مخصوص کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل درباره وضع حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران و گزارشگر مخصوص استقلال قاضیان و حقوقدانان، هر دو درباره این گفته مقام قضایی اظهار نگرانی کرده اند.⁴

گزارش شده که در نطقی خطاب به دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف در ۸ اکتبر ۲۰۰۰، معاون اول رئیس قوه قضاییه، حجت الاسلام و المسلمین هادی مروی گفته است که هیچ کس به جز ولی فقیه صلاحیت قضاوت ندارد؛ قضاوت هر فرد منوط به اجازه رهبر است. در غیر این صورت، حکم قاضی در فقه یا قانون جایی ندارد. قاضی نمیتواند بگوید "رای من چنین است..."; قاضی باید اطاعت کند. قاضی بی خطا جزیی از ولی فقیه است و در صدور حکم از خود استقلال ندارد. (همشهری و روزنامه های دیگر، ۹ اکتبر ۲۰۰۰)

علاوه بر این، رئیس قوه قضاییه از طریق رای مخفی از بین افراد همکار خود انتخاب نمی شود، بلکه از سوی رهبر انقلاب برای پنج سال به این سمت منصوب میگردد، و در برابر او پاسخگو است. رهبر، بر اساس مدارک رسمی که به سازمان ملل تقدیم شده است⁵، "بالاترین مقام کشور" محسوب میگردد. بنا بر اصل ۱۱۰ قانون اساسی، او "تعیین سیاستهای کلی نظام جمهوری اسلامی ایران" را به عهده دارد. همان روش مخدوش انتصاب، بر اساس اصل ۱۶۲ قانون اساسی، برای نصب عالی رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل به کار گرفته می شود، و این نیز به نوبه خود استقلال واقعی قوه قضاییه را بیشتر تضعیف میکند.

• استخدام، انضباط و عزل قاضیان

قانون اساسی تمام وظایف قضایی، اداری و اجرایی دادگستری را به عهده رئیس قوه قضاییه گذاشته است. بنابر اصل ۱۵۸ قانون اساسی، مسئولیت "استخدام قضات عادل و شایسته، عزل و

⁴ گزارش گزارشگر مخصوص کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل درباره استقلال قاضیان و حقوقدانان، داتوپارام کومرسوامی که بر طبق قطعنامه ۴۲/۲۰۰۰ کمیسیون تقدیم شده است. ۱ فوریه ۲۰۰۱

United Nations Commission on Human Rights, Report of the Special Rapporteur on the independence of judges and lawyers, Dato' Param Kumaraswamy, submitted in accordance with Commission resolution 2000/42. 1 February 2001 [E/CN. 4/2001/05]

⁵ این مسئله در مدرک اصلی، جزیی از گزارشهای مربوط به کشورهای عضو، آمده است: ایران (جمهوری اسلامی)، ۱۵ ژوئیه ۱۹۹۹ Core document forming part of the reports of States Parties: Iran (Islamic Republic of), 15 July 1999 [HRI/CORE/1/Add.106]

نصب آنها، تغییر محل ماموریت، تعیین مشاغل، ترفیع آنان و این نوع امور اداری، طبق قانون^۶ به عهده اوست.

تمام استخدامهای دادگستری، بر اساس روش مخدوش انتصاب رئیس قوه قضاییه از سوی ربر، مدل سازی شده است: رئیسان استانی دادگستری که - با توضیحات زیر - به کار بازجویی تعقیب متهمان نیز می پردازند، قاضیان زیر دست خود را که آنان نیز به سهم خود از قدرت بازجویی و تعقیب متهمان برخوردارند، منصوب می کنند.

اصل ۱۵۸ قانون اساسی که اختیارات وسیعی در نصب و عزل قاضیان به رئیس قوه قضاییه داده است، ظاهراً با اصل ۱۶۴ در تناقض قرار دارد. اصل ۱۶۴ می گوید که "قاضی را نمیتوان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تلخفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دایم منفصل کرد". در عین حال، قاضی چنین دادگاهی ممکن است منصوب - یا وابسته به - رئیس دادگستری یا منصوبان خود او باشد. این خدشه ساختاری، توانایی قاضیان برای صدور یک حکم عادلانه و فارغ از نفوذ را تضعیف میکند.

برای مثال، بر اساس گزارشهای رسیده در ۲۶ نوامبر ۲۰۰۱، قاضی شعبه ۲۷ دادگاه تجدید نظر تهران پس از ابراز تردید از سوی رئیس دادگستری تهران نسبت به حکمی که او صادر کرده بود از کار برکنار شد. قاضی مذکور حکم زندان اکبر گنجی را از شش سال به شش ماه تقلیل داده بود (شرح آن را در کادر مربوطه ببینید). رئیس دادگستری تهران با توسل به ماده ۲۳۵ قانون دادرسی جنایی، که در مواردی از جمله اگر قاضی دیگری در یک حکم صادره اشکالی ببیند، تجدید نظر دیگری برای حکم در نظر گرفته میشود، پرونده اکبر گنجی را به شعبه تجدید نظر دیگری حواله کرد. این شعبه اتفاقاً زیر نظر خود رئیس دادگستری تهران بود، و او در نقش مدعی العموم و شاکی عمل میکرد. ماده ۲۳۵ قانون دادرسی جنایی اجازه نمیدهد در صورتی که حکمی نادرست تشخیص داده شد قاضی مربوطه عزل شود، و به نظر می رسد که عزل قاضی دادگاه تجدید نظر در این جا خودسرانه صورت گرفته است.

• بی طرفی: تجزیه قوا

همانطور که در بالا گفته شد، هیچ مرز مشخصی بین نقش و عمل بازجو، دادستان و قاضی وجود ندارد. در سال ۱۹۹۴، در تغییری که در دادگاههای عمومی و انقلاب صورت گرفت، این وظایف به قاضی مسئول پرونده محول شد.

علاوه بر این، ماده ۲۷ قانون دادرسی جنایی صریحاً می گوید که رئیس یا قاضی هر شعبه موظف است که تحقیقات را به شخصه انجام دهد، تا حدی که ماده ۳۰ به قاضی دادگاه اجازه می دهد که شخصاً به منظور سرپرستی بازجوها در جلسات بازجویی اولیه حضور یابد.

این ساختار، نقشی را که قاضی باید به عهده بگیرد به هرج و مرج می کشاند، و حفظ بی طرفی قاضی را که از استانداردهای بین المللی حقوق بشر است با اشکال روبرو میکند. این وضع مستقیماً خط راهنمای ۱۰ "خطوط راهنمای سازمان ملل در مورد نقش دادرسان"^۶ را نقض میکند که می گوید: "اداره دادرسان باید کاملاً از وظایف قضایی جدا باشد."

علاوه بر این، ساختار فوق بی طرفی رسیدگی در دادگاههای عادی و انقلاب را، آنگونه که استانداردهای بین المللی اقتضا می کنند و از جمله در ماده ۱۴ (۱): "قرارداد بین المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است"، پایمال میکند.

در این ساختار، استقلال و اداره بی طرفانه عدالت در بسیاری از دادگاههای عادی و تجدید نظر به شدت مشکل شده است: به این دادگاهها وظیفه تقریباً ناممکن بازجویی و تعقیب اتهاماتی داده شده است که برخی از آنها احیاناً از سوی مقامات مافوق آنان احاله شده، و "دادستان کل" منطقه و

⁶ United Nations Guidelines on the Role of Prosecutors

قاضی ممکن است دقیقاً به دلیل این که اتهام از سوی آن مقامات مطرح شده است برای صدور حکم محکومیت متهمان زیر فشار باشند.

• الزام قانون اساسی برای صدور حکم

اصل ۱۶۷ قانون اساسی میگوید که: "قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد" و سپس اضافه میکند که "اگر نیابد باید با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتوای معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد."⁷ الزام قاضی به صدور حکم در غیاب قوانین مدون با اصل ۲ "اصول اساسی استقلال دادگستری" در تضاد است. این اصل میگوید که "دادگستری باید با بی طرفی در مورد دعوا بر اساس حقایق و به موجب قانون تصمیم بگیرد...". از این رو، الزام فوق یکی دیگر از موارد نقض استقلال قاضیان است.

• مسئولیت شخصی قاضیان

قاضیان در ایران همچنین باید در نظر داشته باشند که اگر حکم صادره از آنان به خسارتی منجر شد، آنان شخصاً مسئول خواهند بود: اصل ۱۷۱ قانون اساسی میگوید که "هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تصبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است...". ولی اصل ۱۶ "اصول اساسی استقلال دادگستری" می گوید که "... قاضیان در اجرای وظایف قضایی خود باید از مسئولیت شخصی ادعاهای خسارات مالی ناشی از اشتباه یا اعمال نامناسب در مصونیت باشند.

• دادگاه ویژه روحانیت

عفو بین الملل در سال ۱۹۹۷ یک ارزیابی از دادگاه ویژه روحانیت منتشر کرد.⁸ در این ارزیابی نتیجه گرفته شد که محاکمات این دادگاه حداقل استانداردهای بین المللی یک محاکمه عادلانه را فاقد است. این یک دادگاه فوق العاده است که با فرمان تاسیس شده و احکام صادره از آن تجدید نظر ندارد. از این رو، این دادگاه استانداردهای بین المللی حقوق بشر را که خواهان محاکمه متهمان در دادگاههای عادی با روشهای قانونی و تضمینهایی از قبیل تجدید نظر در یک دادگاه بالاترند، نقض میکند.

در دسامبر ۱۹۹۸، گزارشگر مخصوص کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل درباره وضع حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران در گزارش خود به پنجاه و پنجمین نشست کمیسیون حقوق بشر گفته است که "ادامه وجود چنین دادگاه ظاهراً مخفی ای را نمیتوان توجیه کرد." گزارشگر مخصوص توصیه کرد که این دادگاه منحل شود، یا دست کم به کمیسیونی برای حل و فصل مسایل به علوم الهی به معنای بسیار محدود آن تبدیل گردد.

⁷ Basic Principles on the Independence of the Judiciary

⁸ اطفا به نشریه عفو بین الملل تحت عنوان "ایران: نقض حقوق بشر علیه پیشوایان مذهبی شیعه و پیروان آنان"، ژوئن ۱۹۹۷ مراجعه فرمایید
Iran: Human Rights Violations against Shi'a Religious Leaders and their followers, issued by Amnesty International in June 1997 (AI Index MDE/13/18/97)

• طرح اصلاح دادگاههای عمومی و انقلاب و بازتاسیس دادستانی

به قرار اطلاع، کمیته حقوقی مجلس، پیش نویس این طرح را در ژوئن ۲۰۰۱ تصویب کرده است. در ۲۵ نوامبر ۲۰۰۱، مجلس شورای اسلامی ۱۲ ماده اول از ۲۲ ماده این طرح را تصویب کرد. در هنگام نوشتن این گزارش، بقیه مواد این طرح در انتظار تصویب بود، و پس از آن می بایست پیش از آن که به مرحله اجرا در آید، برای تایید به شورای نگهبان ارسال شود. باید دید که این طرح به فرض این که از تصویب بگذرد آیا برای جدا کردن وظایف بازجویی، دادستانی و قضاوت کافی است یا خیر. بر اساس این طرح، می توان دادستانان مستقل ایجاد کرد که در سطح استانها مقامی همسطح رئیس دادگستری خواهند داشت. گرچه معلوم نیست که دادستانها چگونه منصوب خواهند شد یا عملاً کار قاضی تحقیق چگونه انجام خواهد گرفت، طرح پیشنهادی برای جدا کردن دادگاههای مدنی از جنایی نیز موادی را در نظر گرفته است که میتواند به تخصص گرایی بیشتر و استفاده از قاضیان کار آموخته مناسب منجر شود.

این طرح فرصت خوبی برای مجلس و شورای نگهبان پیش آورده است تا شفافیت، پاسخگویی و سرعت بیشتری به اجرای عدالت بدهند و اجازه دهند تا قاضیان و دادستانان مهارتهای تخصصی پیدا کنند. ولی اگر مسئولیت انتخاب دادستانها را قوه قضاییه در دست داشته باشد، مواد این طرح بار جدیدی بر نظام دادگستری خواهد افزود و اجرای عدالت را به مخاطره خواهد انداخت.

نقش حقوقدانان و کانون وکلا

استقلال و امنیت حقوقدانان و تشکیلات حرفه ای آنان - کانون وکلا - از جمله عناصر اصلی مورد حمایت بین المللی برای حفظ حقوق بشر و اجرای عدالت به شمار می رود. مقررات جاری برای گرفتن پروانه وکالت، کارآموزی در یک کانون وکلای مشخص، و استقلال کانون وکلا، از حد استانداردهای بین المللی پایینتر است. به طور مشخص، این مقررات استقلال حقوقدانان و کانون وکلا را به مخاطره انداخته و حق متهم برای دفاع موثر از خود را محدود کرده است. برای مثال، وظایف و اقداماتی که در سطح بین المللی معمولاً جزو کار کانون وکلا است، و در ایران در قانون استقلال کانون وکلا ۱۹۵۶ تصویب شده، از سال ۱۹۹۷ دامنه آن محدود شده است.

• محدودیت در مورد افرادی که می توانند در کانون وکلا کارآموزی ببینند

ماده ۲ قانون شرایط اخذ پروانه وکالت (۱۹۹۷) محدودیتهای وسیعی در مورد این که چه کسانی می توانند حقوقدان شوند وضع کرده است (کادر را ببینید). با طرد صریح افراد بر اساس عقیده و تعلق اجتماعی آنان، این مقررات استقلال حقوقدانان را به خطر انداخته است. از کانونهای وکلا خواسته شده است که برای اطمینان از صلاحیت متقاضیان با "مقامات صالحه" تماس بگیرند، و از این طریق آنان به شرکت در از تکاب این مقررات وادار شده اند.

قانون مربوط به شرایط اشتغال به کار وکالت، محدودیتهایی برای آزادی بیان و اجتماع وضع کرده است که با استانداردهای بین المللی تناقض دارد:

ماده ۲ قانون شرایط اخذ پروانه وکالت (۱۹۹۷) می گوید:

اجازه اشتغال به کارآموزی حقوقی به کسانی داده خواهد شد که علاوه بر داشتن مدرک لیسانس یا بالاتر در حقوق، یا مقدماتی اسلامی یا معادل آن از حوزه های علمی و دانشگاهها، این شرایط را داشته باشند:

الف	اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ضروریات آن
ب	اعتقاد به جمهوری اسلامی، ولایت فقیه و وفاداری به قانون اساسی، (...)
ج	عدم عضویت یا فعالیت در گروه‌های خدانشناس، مذاهب ضاله و گروه‌های ضد اسلام و گروه‌هایی که برنامه هایشان بر نفی ادیان آسمانی استوار شده است
د	عدم سابقه همکاری با رژیم شاه مخلوع یا شرکت در استحکام آن رژیم
ه	عدم عضویت یا حمایت از گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران

این محدودیتها با اصل ۲۳ قانون اساسی نیز در تضاد است که میگوید:
 "تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمیتوان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد."

از طریق این محدودیتها، دادگستری و "مقامات صالحه" – که ظاهراً شامل وزارت اطلاعات نیز هست – ورود افراد به کارآموزی در کانون وکلا و سپس اشتغال به حرفه وکالت را تحت کنترل خود گرفته اند. این مقررات، با محدود کردن آزادی شخصی و امنیت حرفه ای متقاضی، استقلال حقوقدانان و کانون وکلا را در مخاطره انداخته است؛ توانایی حقوقدانان در دفاع موثر از موکلان را محدود کرده، و حیثیت، امنیت و استقلال حرفه ای مورد نیاز حقوقدانان را تضعیف کرده است. این محدودیتها تعهدات بین المللی ایران در مورد آزادی بیان و اجتماع، موضع مواد ۱۹ و ۲۲ قرارداد بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، و همچنین اصل ۱۰ "اصول اساسی نقش حقوقدانان"^۹ را نقض میکند که دولتها و سازمانهای حرفه ای را مکلف کرده است تا اطمینان حاصل کنند که هیچ تبعیضی علیه یک فرد برای ورود و ادامه کار در حرفه حقوقی بر اساس ملاکهایی از جمله عقاید سیاسی یا جز آن صورت نگیرد.

• محدودیتهای وارده بر کانون وکلا

اصل ۲۴ از "اصول اساسی نقش حقوقدانان" از دولتها خواسته است تا اطمینان حاصل کنند که حقوقدانان از حق عضویت در سازمانهای حرفه ای خودگردان برای حمایت از منافع آنان برخوردار باشند، و بنا به استانداردهای بین المللی آزادی بیان و اجتماع و هیئت اجرایی این سازمانها "باید از طرف خود اعضاء انتخاب شوند و بدون دخالت خارجی به وظایف خود بپردازند."

دفتر کانون وکلای تهران در سال ۱۹۸۱ به زور بسته شد و بسیاری از اعضای آن در سال ۱۹۸۲ از ایران فرار کردند یا دستگیر شدند.^{۱۰} اگر چه، از آن هنگام به بعد، رئیس کانون وکلای تهران از طرف دادگستری منصوب می شود، مبنای قانونی کانون از بین نرفته است: قانون استقلال کانون وکلا ۱۹۵۵ و قانون آیین نامه مربوط به طرح قانونی و استقلال کانون وکلا ۱۹۵۶ هنوز رسمیت دارند. هر دو این قانون استانداردهای بین المللی استقلال حرفه حقوقی را که در "اصول اساسی نقش حقوقدانان" آمده تقریباً تامین میکنند. در عین حال، و دست کم از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۹، حقوقدانان از حق انتخاب هیئت اجرایی کانون وکلا محروم بوده اند. اکنون، گرچه انتخاباتی صورت میگیرد، این انتخابات بر خلاف اصل ۲۴ "اصول اساسی نقش حقوقدانان" زیر "دخالت خارجی"، یعنی دادگستری انجام می شود.

تحت قانون شرایط اخذ جواز وکالت ۱۹۹۷، کسانی که میخواهند برای عضویت در هیئت مدیره کانون وکلا نامزد شوند می بایست از همان شرایط بازدارنده شدیدی که برای کارآموزان حقوقی در ماده ۲ آمده است و در بالا مطرح شد برخوردار باشند. علاوه بر این، ماده ۴ از دادگاه انضباطی عالی قضات می خواهد که در صلاحیت نامزدهای انتخابات هیئت مدیره تحقیق کند، و به این وسیله

^۹ Basic Principles on the Role of Lawyers

^{۱۰} عفو بین الملل، ایران: محاکمات ناعادلانه و بازداشتیهای سیاسی، ژوئیه ۱۹۹۲
 Amnesty International, Iran: Unfair trial of political detainees, July 1992 (AI Index MDE 13/15/92)

مانع از این شده است که اعضای کانون وکلا بتوانند آزادانه نمایندگان مورد نظر خود را انتخاب کنند.

در اواخر سال ۱۹۹۹، اسامی نامزدهای انتخابات در بیست و یکمین هیئت مدیره کانون وکلا در اختیار دادگاه انضباطی عالی قضات قرار گرفت تا آنها را تایید - یا رد - کند. بنا بر گزارشهای تایید نشده که به عفو بین الملل رسیده است، رئیس دادگاه گفته بوده است که دادگاه نقشی در تحقیق صلاحیت نامزدها ندارد، چرا که کار دادگاه فقط این بوده است که لیست نامزدها را به وزارت اطلاعات بفرستد و سپس نظر آن وزارتخانه را در مورد صلاحیت نامزدها منعکس کند. رئیس کانون وکلای تهران در فاصله کوتاهی پس از انتخاب به مقام خود، در مورد این محدودیتها به دادگاه انضباطی عالی قضات شکایت کرد.

عفو بین الملل حق حکومتها برای ایجاد محدودیت در عضویت یک سازمان را در مورد کسانی که مرتکب نقض حقوق بشر شده اند و یا به ارتکاب تخلفات جنایی شناخته شده محکوم گشته اند می پذیرد. ولی، این سازمان معتقد است که این محدودیتها فقط میتواند به صورت فردی اعمال شود؛ و نه این که به طور عام یک گروه، مذهب یا طبقه ای از مردم مشمول آن شوند. این نکته اهمیت بسیار دارد که قانون در این زمینه، در مورد این که چه مرجعی تعیین کننده این محدودیتها است، باید صریح و روشن باشد.

• انضباط حقوقدانان

اصل ۲۸ از "اصول اساسی نقش حقوقدانان" مقرر کرده است که "اقدامات انضباطی علیه یک حقوقدان باید از سوی یک کمیته انضباطی بی طرف تاسیس شده به وسیله سازمان حرفه ای حقوقدانان" یا یک مقام یا دادگاه قانونی مستقل رسیدگی شود، و باید از بازنگری مستقل قضایی برخوردار گردد. در ایران، کانون وکلا علیرغم اختیارات قانونی و حمایت اصول بین المللی، دیگر قادر نیست به انضباط اعضای خود بپردازد.

قانون استقلال کانون وکلا، ۱۹۵۶، این اصل را تایید میکند. قانون میگوید که تحقیق در مورد تخلفات حقوقدانان باید به وسیله دادستان انضباطی کانون وکلا و دادگاه انضباطی حقوقدانان انجام پذیرد. بعلاوه، ماده ۱۷ این قانون تاکید میکند که هیچ حقوقدانی را نمیتوان، جز پس از تصمیم نهایی دادگاه انضباطی، معلق یا از کار منع کرد.

حیطه عمل دادستان و دادگاههای انضباطی کانون وکلا بالکل از کار افتاده است. به نظر می آید که نقش دادستان انضباطی از بین رفته است، چرا که دادگاه انضباطی فقط مواردی را مورد بررسی قرار می دهد که از طریق دادگستری یا اعضای کانون وکلا به آن ارجاع شود.

اعضای کانون وکلا میتوانند علیه تصمیمات این دادگاه تقاضای فرجام کنند، ولی با نقض اصل ۲۸ "اصول اساسی نقش حقوقدانان"، تقاضای فرجام به دادگاه عالی انضباطی قاضیان ارجاع می شود، که می تواند یک حقوقدان را معلق یا از کار منع کند.

• اقدامات دیگری که استقلال و امنیت حقوقدانان و کانون وکلا را به خطر انداخته است

ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مه ۲۰۰۰، در سپتامبر ۲۰۰۱ قدرت اجرا پیدا کرد. علیرغم هدفهای ارزنده ایجاد دسترسی به خدمات حقوقی برای بخش بزرگتری از مردم، این ماده - که در پوشش یک لایحه اقتصادی تصویب شده - وسیله تجاوز جدیدی برای مقامات قضایی در حرفه وکالت، حرفه ای بودن این شغل، و به طور مشخص کانون وکلا که از اعضای آن در این مورد ظاهراً نظرخواهی نشده، فراهم کرده است. کانون وکلای

تهران نگرانیهای خود را در طول یک ساله گذشته به تفصیل به اطلاع مقامات ایرانی و عموم مردم رسانده است (کادر پایین را ببینید).
ماده ۱۸۷ مقرر میکند که دادگستری حق دارد صلاحیت فارغ التحصیلان حقوق را بری کسب پروانه تاسیس دفاتر مشاوره حقوقی تایید کند. این مشاوران مجاز خواهند بود که به عنوان وکیل در دادگاه کار کنند.

شیرین عبادی و محسن رهامی، دو حقوقدان حقوق بشری همراه با چندین نفر دیگر در ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۰ در یک دادگاه ناعلنی در شعبه ۱۶ دادگاه عمومی محاکمه شدند. در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰، این دو نفر به ۱۸ ماه زندان تعلیقی محکوم شدند و هر دو برای پنج سال از کار حقوقی منع گردیدند، افراد دیگر به خاطر شرکت در خلاف مورد اتهام، به زندان محکوم شدند. هر دوی این حقوقدانان در رابطه با فعالیتهای حقوقی خود در یک دادگاه عمومی محاکمه شدند.

این دو حقوقدان در دفتر کار شیرین عبادی حضور یافته بودند تا با یک شاهد، که ظاهراً اطلاعاتی در مورد پرونده ای که در دست آنان بود داشت، مصاحبه کنند. شیرین عبادی یکی از وکیلان خانواده های هار نفری بود که در ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ به قتل رسیده بودند. در آن موقع، متهمان به قتل در دادگاه محاکمه می شدند، و شیرین عبادی وکیل خانواده مقتولان بود. حجت الاسلام رهامی وکیل دانشجویانی بود که در رابطه با جراحاتی که در جریان حمله ماموران امنیتی به خوابگاه دانشجویان در ژوئیه ۱۹۹۹ متحمل شده بودند ادعای خسارت داشتند.
از اظهارات شاهد یاد شده فوق یک نوار ویدیویی تهیه شد، و نامبرده در آن به قرار اطلاع از کارهای خود به عنوان عضو یک گروه مبارز به نام انصار حزب الله سخن گفته است. او ظاهراً در این نوار مقامات عالیترتبه نظام را در عملیات منتسب بن این گروه، که از جمله شامل تلاش برای قتل معاون رئیس جمهوری و وزیر کشور پیشین حجت الاسلام عبدالله نوری بوده، دخیل دانسته است.

نوار ویدیویی بعداً به دست مردم افتاد، و این دو حقوقدان همراه با چند نفر دیگر دستگیر شدند. این دو به "تشویش اذهان عمومی" و "نشر اکاذیب" و "خلافهای دیگری متهم شدند. در ۲۷ ژوئن ۲۰۰۰، این دو حقوقدان جداگانه دستگیر شدند. شیرین عبادی به قرار اطلاع گفته است که در ساعت یک بعد از ظهر روز دستگیری در اخبار رادیو شنیده است که یک زن و یک روحانی در رابطه با نوار دستگیر شده اند. بعد، دوستی به او تلفن میکند، و او به دوستش اطمینان می دهد که دستگیر نشده است. شش ساعت بعد، دو مامور لباس شخصی به دفتر او می آیند، و او را برای تحقیقات مقدماتی به دادگاه می برند. او پیش از آن که با قید وثیقه آزاد شود، ۲۵ روز در بازداشت موقت به سر برده است.

دادگاه به صورت ناعلنی برگزار شد، ولی دادگستری اجازه داد دو ناظر از کانون وکلای تهران در آن حضور یابند؛ یک درخواست مشابه که از طرف مجلس آمده بود رد شد. هر دو حقوقدان از رای صادره تقاضای فرجام کرده اند و به کار وکالت خود ادامه میدهند. کانون وکلای تهران نیز علیه حکم دادگاه علناً اعتراض کرده است.¹¹

رویه معمولی بین المللی این است که کانون وکلا به فارغ التحصیلان جدید، پس از گذراندن دوره های معتبر شناخته شده، پروانه کار بدهد. ماده ۶ قانون استقلال کانون وکلا نیز به این کانون اختیار داده است تا فی المثل، به مقتضای روحیه اصل ۹ "اصول اساسی نقش حقوقدانان"، به حقوقدانان دوره دیده پروانه کار بدهد. اصل یاد شده می گوید: حقوقدانان باید از ایده آل ها، وظایف اخلاقی این حرفه، و حقوق بشر و آزادیهای بنیادین آگاه باشند.
قانون جدید، این نقش کانون وکلا را از آن گرفته و به دادگستری داده است. این امر، همه دانشجویان حقوق را مشمول محرومیتهایی می کند که قبلاً توضیح داده شد، و به طور فاحشی استقلال و امنیت حقوقدانان، و به تبع آن، کانون وکلا را کاهش میدهد. این به معنای نقض اصل ۱۶ از "اصول اساسی نقش حقوقدانان" بشمار می رود که میگوید: دولتها باید ترتیبی دهند که حقوقدانان (الف) بتوانند همه کارهای حرفه ای خود را بدون ارعاب، مانع، آزار و دخالت نابجا انجام دهند..."

¹¹ اطلاعیه مطبوعاتی عفو بین الملل، ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۰، ایران: خرابیهای بیشتری در عدالت ایران
Amnesty International press statement, 14 July 2000, IRAN: More Failures of Iranian Justice (AI Index MDE 13/019/2000)

• واکنش ها به تصویب ماده ۱۸۷

کانون وکلا پیوسته با ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مه ۲۰۰۰ مخالفت کرده است. در ۶ نوامبر ۲۰۰۱، کانون وکلا جلسه فوق العاده ای با شرکت نمایندگان قوه قضاییه و قوه مجریه برای گفتگو درباره این ماده و اثرات آن برگزار کرد. موضوعاتی که در این جلسه مورد بحث قرار گرفت شامل استقلال و حیثیت قاضیان و کانون وکلا بود.

اعلامیه ۱۸ ماده ای که در پایان جلسه صادر شد، در طرح خواست از مقامات برای رعایت استانداردهای بین المللی در مورد حقوق بشر و نقش کانون وکلا و دادگستری بی سابقه بود. بند ۲ اعلامیه، برای مثال، خواهان رعایت کامل اعلامیه جهانی حقوق بشر و قرارداد بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و سایر قراردادهای بین المللی، که ایران یک کشور عضو و امضا کننده آنها است، شده است. بند ۳ به خواست حفظ استقلال دادگستری و قاضیان پرداخته، و خواهان آن شده است که دخالت سیاسی در مسائل قضایی قطع شود. در بند ۵، خواست حفظ استقلال کانون وکلا بر طبق مقررات پذیرفته شده بین المللی، قانون استقلال کانون وکلا، و اصل ۲۴ "اصول اساسی نقش حقوقدانان" مطرح شده است.

در ۷ نوامبر ۲۰۰۱، یک روز پس از نشر اطلاعیه فوق، مجلس در یک طرح فوری ماده ۱۸۷ را ملغی اعلام کرد. اکنون باید دید که آیا این عمل مجلس از تصویب شورای نگهبان میگذرد یا خیر.

نتیجه گیری ها و پیشنهادهای

قوانین مبهم و متداخل در یکدیگر که آزادی بیان و اجتماع را محدود کرده است؛ یک ساختار ناقص دادگستری، عاری از استقلال واقعی، معیوب از یک نظام انتصابی ناسالم و ناتوان به خاطر اختلاط مسئولیتهای تحقیق، بازجویی و قضاوت، و الزام قاضیان به صدور رای و مسئولیت فردی آنان که ممکن است بدون پشتوانه قانونی باشد، به نابسامانی های زیادی در اجرای عدالت در ایران منجر شده است.

حفاظتهای ایمنی برای دفاع که معمولا از طریق حقوقدانان و یک کانون وکلای مستقل تامین می شود، به دلیل وابستگی آنان به دادگستری شدیداً تضعیف شده است، و نتیجه آن شیوع رویه های نامنظم، در پیش و پس از محاکمات، و امکانات ناقص فرجام خواهی است. در ایران امروز، دستگیری و بازداشت و زندانی کردن افراد پس از محاکمات ناعادلانه، بدون دلیلی جز اظهار عقاید وجدانی آنان، به صورت روزمره در جریان است. عفو بین الملل توصیه های زیر را عرضه میکند:

• به دولت ایران و مقامات دادگستری و تمام کسانی که در اجرای عدالت دست دارند:

* تمامی زندانیان وجدان (عقیدتی) را فوری و بدون قید و شرط آزاد کنید

• در مورد قوانینی که آزادی بیان و اجتماع را محدود کرده است

*تمام قوانینی که آزادی بیان و اجتماع را محدود می کنند، از جمله آنهایی که در این گزارش نام برده شده است، با قصد این که با استانداردهای بین المللی مندرج در قرارداد بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، که ایران یک کشور عضو آن است، هماهنگ شوند مورد بازنگری قرار گیرند.

● در مورد دادگستری

- * تمام قوانین مربوط به ساختار، استقلال، روش انتصاب و انضباط دادگستری، و چهارچوبه قانون اساسی شامل آنها، مورد بازنگری قرار گیرند؛ تا استقلال دادگستری تضمین شود و کار آن با "اصول اساسی سازمان ملل برای استقلال دادگستری" هماهنگ گردد؛
- * قوانینی که از قاضیان می خواهد در موردی که قانون ساکت است رای صادر کنند مورد بازنگری قرار گیرند؛
- * طرح فعلی برای بازتاسیس نقش دادستان مورد بازنگری قرار گیرد تا اطمینان حاصل شود که با "خطوط راهنمای سازمان ملل در مورد نقش دادرسان" همخوانی دارد.

● درباره حقوقدانان و کانون وکلا

- * ایجاد امکانات قانونی برای تضمین امنیت و آزادی از دخالت، برای حقوقدانان و کانون وکلا بر طبق اصول بین المللی، و از جمله "اصول اساسی سازمان ملل در مورد نقش حقوقدانان"؛
- * بازگشت به کار همه حقوقدانانی که در رابطه با اعمال حرفه خود از کار منع شده اند؛
- * ایجاد معیارهای روشن، هماهنگ یا شفاف در مورد شرایط عضویت در هیئت مدیره کانون وکلا؛
- * تامین این که شرایط مربوط به صدور پرونده وکالت با استانداردها و رویه های بین المللی مطابقت داشته باشد؛

● در مورد اجرای عدالت

- * بازنگری قوانین عملی مربوط به اجرای عدالت، تا اطمینان حاصل شود که دستگیری، بازداشت، دسترسی به وکیل، و روند محاکمه، از جمله حق فرجام خواهی، به سطح استانداردهای بین المللی رسیده است؛
- * اعلام عمومی همه حقوق فردی مربوط به دستگیری و بازداشت که در قوانین بین المللی و ملی تضمین شده است؛
- * گسترش همکاری با سازمانهای حقوق بشری محلی؛
- * گسترش همکاری با سازمانهای حقوق بشری بین المللی و سازمان ملل و ارگانهای سازمان ملل، از طریق اقدامات آموزشی و افزایش آگاهی؛ و از طریق صدور جواز برای دیدار این سازمانها از ایران؛
- * اجرای توصیه های عفو بین الملل، گزارشگر مخصوص کمیسیون حقوق بشر در مورد حقوق بشر در ایران، سایر ارگانهای سازمان ملل و سازمانهای حقوق بشری بین المللی در مورد اجرای عدالت در ایران.

جنبش آزادی ایرانیان
بخش حقوق بشر

با نظارت: فری ناز آرین فر (دبیر حقوق بشر)